

اصطلاح آلمانی : Die erste Geige spielen

written by مرتضی غلام نژاد | سپتامبر 16, 2017

اصطلاحات آلمانی

Die erste Geige spielen

اولین کسی که ویولن را می نوازد

کنایه از این دارد که شخص مهمی بودن و تصمیم گیرنده اصلی باشیم و برای چیزهای مهم این ما باشیم که تصمیم میگیریم و دیگران گوش به فرمان ما هستند

Bedeutung:

derjenige sein, der die wichtigen Entscheidungen trifft; die wichtigste Person sein

به مفهومه :

آن کسی که او تصمیم های مهم را میگیرد ، مهم ترین شخص بودن

Zum Beispiel:

برای مثال :

Versammlung in der Firma: Liebe Kolleginnen und Kollegen! Wie Sie wissen, ist diese Woche meine letzte als Abteilungsleiterin. Dann gehe ich in Rente. Frau Schumann übernimmt meinen Platz. Ab heute spielt sie hier die erste Geige

جلسه ای در شرکت : خانم ها و آقایان همکار! همانطور که میدانید، این آخرین هفته ای است که من به عنوان رئیس بخش هستم. بعد از آن بازنشسته می شوم. خانم شومن جانشین من هستند ، از امروز ایشان هستند که تصمیم های مهم را میگیرند و مهم ترین شخص در اینجا می باشند.

اصطلاح Ich gehe in Rente همانطور که گفتیم یعنی بازنشسته شدن یا در تفکر آلمانی به مرحله بازنشستگی رفتن

چند مثال دیگر و پایان این درس :

Er will immer die erste Geige spielen

او می خواهد همیشه رهبر و سرپرست باشد

یعنی او دلش می خواهد که تصمیم گیرنده اصلی باشد یا به زبان ساده تر همش دلش میخواد رئیس بازی در بیاره

Martina erzählen wir aber nichts, die will immer die erste Geige spielen, und dieses Mal finde ich, dass wir beide das tun sollten

مارتینا ما هیچ چیزی را بازگو نمیکنیم ، او دلش می خواهد همیشه تصمیم گیرنده باشد و رئیس بازی در بیاورد ولی این دفعه گمان میکنم که ما هر دو آنرا می بایستی انجام میدادیم

که در مثال بالا das یا آنرا , می تواند مثلاً یک تصمیم باشد ، یعنی اینکه گمان میکنم که ما می بایستی آن تصمیم را می گرفتیم

دقیقا متضاد این اصطلاح ما یک اصطلاح دیگر نیز داریم که یعنی : بی اهمیت بودن ، شخص مهمی نبودن

die zweite Geige spielen

دومین کسی که ویولن را می نوازد

اینبار یعنی نقش مهمی را ما ایفا نمیکنیم بلکه یک آدم ساده هستیم که تصمیم های مهم را دیگران برای ما میگیرند و ما مجبور به پیروی از آنها هستیم

Bedeutung:

به مفهومه :

zweitrangig sein, eine untergeordnete Rolle spielen

کم اهمیت بودن یا درجه دو بودن ، یک نقش کم اهمیت یا درجه ی دو را بازی کردن البته نه به منظور سینمایی آن بلکه در

تصمیم گیری ها یا کارها نقش مهمی را ایفا نکنیم

Die zweite Geige zu spielen ist zwar besser als die fünfte oder die sechste, aber wir wollen die erste Geige spielen, sagt der Deutsche unmissverständlich

آن فرد آلمانی به روشنی میگوید : دومین کسی که ویولن را می نوازد در واقع حتی بهتر از پنجمین یا ششمین نفر است. اما ما می خواهیم اولین کسی باشیم که ویولن را می نوازد.

به زبان قابل درک تر : اینکه آلمانی ها می گویند ، اگر چه آدم در نقش دوم باشد یعنی تصمیم گیرنده اصلی نباشد ، حتی او بهتر از کسی است که اصلا هیچ نقشی را ایفا نمیکند یا به زبان ساده تر سیاه لشگر است ، بنابراین ما می خواهیم سعی کنیم و تلاش کنیم تا نخستین فرد باشیم و آن کسی باشیم که نقش مهم را ایفا میکند و تصمیم گیرنده اصلی است.